

اخلاق پزشکی

(۱)

حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا

و نمیتواند باشد فرق نمیکند چه در اردوگاه امیرالبریم شما بگوئید یا در اردوگاه سوسالبریم الان همه جا علم در خدمت قدرت است و دنیا را قدرت منجر خاند نه علم این را که ما الان میگوئیم دنیای ما دنیای علم هست یک مقداری بایستی تصحیح کنیم . دنیای ما دنیای قدرت است نه دنیای علم ، یعنی علم هست ولی نه علم آزاد ، علم در خدمت قدرت و در خدمت زور و در خدمت توانایی علم امروز ، اسیر است و لهذا هراسناکی و هراسناکی در دنیا رخ میدهد اگر بشود او را در خدمت زور قرار داد و از او یک سلاح مهیب و حشاک خطرناکی برای کشتن انسانها ساخت ، اول علم مرود آجا ، از آجا اگر زیاد آمد آنوقت در خدمت کارهای دیگر بشر قرار میگیرد والا در مرحله اول مرود در خدمت زور ، هر اکتشافی باشد مگر اکتشافی که بشر زور بخورد والا اگر در زور بخورد اول میرسد آجا و احیاناً "بزرگش را هم میدهد و تا وقتی که لازم باشد این سر را حفظ میکند برای این که زور به آن احتیاج دارد آن وقتیکه از این جا زیاد آمد در خدمت سایر قسمتها قرار میگیرد .

راعی که بیکن طی کرد این راه خواه ناخواه منتهی میشود به همانجایی که منتهی گفته است و نه همانجایی که ما کماول گفته است و مخصوصاً آنچه که منتهی گفته است .

(اقتباس از کتاب انسان کامل)
استاد مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم
اخلاق پزشکی

قال علی (ع) : العلم ثلاثة الفقه
الادیان و الطب الابدان و النحو -
اللسان

حضرت علی (ع) می فرمایند :
علم دارای سه شعبه است که یکی علم فقه است برای فهم مسائل دین و احکام آن و دیگری علم طب برای سلامت و علاج بیماریهای جسمانی و برای اینکه آدمی درست سخن بگوید و خوب بنویسد نیازمند به علم نحو است .

در اینجا در کنار علم فقه امام مسلمین علم پزشکی را قرار میدهد و در حدیث دیگر که چه سند آن کاملاً معلوم نیست و آقای دکتر خلیلی در

کتاب طب امام صادق (ع) آنرا از امام نقل میکند که فرمودند : العلم علمان ، علم الادیان و علم الابدان . علم بر دو قسم است علم دین و علم مربوط به بدن . در اینکه علم طب از نظر شرافت علمی با ارزش است در آن شک و شبهای نیست تا آنجا که اسلام - تناسل آنرا واجب کفایی دانسته اند که گروهی باید برای نجات انسانها از امراض گوناگون بدنیاال دانش پزشکی بروند بنابراین جامعه نیاز به هر دو دسته دارد .

در روایتی آمده است که امام صادق (ع) فرمودند : هر شهر و آبادی بی نیاز از سه دستار نیروی انسانی نخواهد بود که فرزندان بشر را در

علی (ع):

علم دو قسم است

علم دین و علم مربوط به بدن

دانش پزشکی

از دانشهایی است که از وحی سرچشمه

گرفته و دانشمندان علوم پزشکی آنرا از انبیاء گرفته اند

انبیاء اطباء روحی اند که بیماران روحی را با داروهای شفا بخش معنوی درمان می نمایند و شاید با ظهور و بعثت انبیاء پزشکان جسم هم برای درمان عوارض جسمانی افراد انسانها ظاهر گشته اند که بعضی علم پزشکی را به انبیاء نسبت داده اند. شیخ بزرگوار مرحوم مفید می فرماید: دانش پزشکی از دانشهایی است که از وحی سرچشمه گرفته و دانشمندان علوم پزشکی آنرا از انبیاء گرفته اند. پیامبران الهی، با دستورات آسمانی برای پیشگیری از امراض روحانی مبعوث شدند و اگر بیماران روحی پیدا می شدند، نسخه های آسمانی به علاجش میرداختند. اطباء جسمانی هم چنین نقشی را در پیشگیری

او وحی کرد تا مداوا نکند شفا نیست نخواهم داد. شاید بتوان چنین استفاده کرد که باید به طبیب مراجعه کنی تا با داروهای مناسب که تجویز میکند شفا یابی با اینکه انبیاء عظام خود اطباءید.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه درباره رسول گرامی اسلام می فرماید: او طبیبی است که بوسیله طب و قدرت معالجه خویش همواره گردش میکند و مرحمهایش را محکم و آماده کرده است و ابزارها را سرخ کرده است و تافته است هر جا که لازم باشد مرحمها و ابزارها را بر روی آن می نهد و جاهای مجروح و نیازمند به معالجه، دلهای کور و گوشهای کر و زبانهای لال است.

اداره امور زندگانی یاری میدهند که یک گروه از آنها اطباء متخصصین مورد اعتماد مردم اند و دنیروی دیگر اسلام شناسان و فرمانروایان اند بنا بر این علم پزشکی مورد توجه پیشوایان دین بوده است و ما در مقام بیان تاریخ این علم نیستیم که از چه زمانی بوده است ولی اجمالاً آنچه در تاریخ آن آمده از زمانهای خیلی دور شاید چند هزار سال قبل از میلاد مسیح علم طب در میان جامعه بشریت بوده و در روایات از انبیاء گذشته مطالبی در این باره نقل شده است امام صادق (ع) می فرماید: یکی از انبیاء گذشته بیمار شدند و گفت مداوا نمی کنم تا اینکه آن کسی که مرا بیمار کرده است شفا دهد خداوند به

انبیا اطباء روحی اند

که بیماران روحی را با داروهای

شفابخش معنوی درمان می نمایند

از امراض جسمانی دارند و اگر کسی بیمار شد به مداوایش می پردازند و اگر روایت علم الایدان درست باشد مقدم برداشتن دین ذکر شده است که از کودکی باید کمر همت به سلامت تن بست تا بهنگام کشیدن بار تکلیف بر دوش که بر عالمان دین است او را آشنا به احکام نمایند و آماده پذیرا شدن باشد و شاید رمز جلوتر ذکر شدن علم بدن همین باشد که اول باید مراعات سلامت تن بشود.

ناگفته پیداست که از مر عالم روان و جان نشود درمان درد را طلب کرد. دانشمندان معتقدند که انبیا باید معصوم باشند تا بتوان احکام الهی را از سزای خدائی گرفتن و این مسئله عصمت خود بحثی است و در علم کلام آمده است که جانشینان آنها نیز باید معصوم و مضمون از خطا باشند و دانشمندی که حاملان علوم آنانند که چه مسئله عصمت در آنها شرط نیست ولی باید آنچنان باشند تا پیروان آنان که پیوندگان راه آنان هستند بتوانند از ایشان متابعت نمایند و در این خصوص شرائطی در کتب فقهی ذکر شده است.

اطباءیکه سالیان دراز برای تحصیل علم طب تلاش کرده و رنجها برده اند از این امر مستثنی نیستند آنها می باید برای اینکه بیماران را معالجه نمایند مراعات دستوراتی را که در فقه آمده است بنمایند که در اصطلاح به آن فقه پزشکی گویند و همچنین مراعات آداب معاشرت و برخورد های با بیماران را که به آن اخلاق پزشکی گفته اند را بکنند با اینکه هر انسانی باید خود را ملتزم به رعایت اخلاق اسلامی بداند که باعث مکارم الاخلاق همگانی است و اختصاص به دسته خاصی ندارد از دانشمندان اسلام شناس که در کرسی فتوی و رهبری جامعه قرار گرفته تا فردیکه از صبح تا شام در تلاش کسب آذوقه است همه و همه باید مراعات دستورات را بنمایند لیکن از بعضی توقع بیشتر میرود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که موسی بن عمران عرض میکند پروردگارا مرض از کیست جواب آید از من. اوگوید شفا از کیست گفته شد از من عرصه داشت بندگان تو با کسی که عهده دار معالجه آنهاست چه کنند جواب آمد آنها چون با

مهربانی و حسن تدبیر عموها را از بیماران بردایند و از این جهت کسیکه عهده دار معالجه بیماران است طبیب گویند چون طبیب با نفسم با لطف و مدارا رفع پریشانیها و عموها نمایند اگر طبیب کنار بیمار بنشیند و با لطف و مهربانی از احوال پرسد و با خوشروئی برخورد نماید و او را امیدوار کند شاید نصف راه معالجه را پیموده است بعضی از علمای گذشته در دو رشته علم دین و علم بدن تخصص داشتند. مرحوم آیه الله حاج میرزا آقای شیرازی که از مجتهدین و مدرسن حوزه علمیه اصفهان بشمار میرفت در علم طب هم استاد بود و مرحوم آیه الله شهید مطهری در کنایش از این مرد بزرگ به احترام نام می برد و از ایشان تجلیل میکند. مرحوم آیه الله حاج میرزا آقای شیرازی زمانی که به قم تشریف آوردند و در مدرسه فیضیه درس اخلاق می فرمودند در عین حال در موقع تدریس اشک می ریختند و انسان را به یاد خدا می انداختند او درس می گفت برای خدا و بیماران را معالجه میکرد برای خدا.